

قسمت دوم

چگونگی پیدایش
مرموز ترین ارز جهان
بیت‌کوین علیه
تمرکز قدرت
در پول‌های رایج

خرید را می‌دهند. بنابراین پس از خرید، حساب شما منفی سیصد دلار است. یعنی در واقع سر سیستم کلاه گذاشته‌اید. هم اکنون و با شیوه تمرکزی بانک‌ها، این مشکل رخ نمی‌دهد، زیرا بانک هر ۴ درخواست را هم‌زمان می‌بیند و یکی از آن‌ها را می‌پذیرد.

اما در دنیای تمرکز زدایی هر چند عدد کامپیوتر هم که وجود داشته باشد چون ترتیب نامشخص دارد، متمایز کردن مقدم بودن این ۴ خرید هم‌زمان برایش امکان پذیر نیست. هر کدام از این سیستم‌ها یک درخواست متفاوت را مقدم می‌دانند.

در سال ۲۰۰۸ و در جریان بحران اقتصادی آمریکا، تصور مردم آمریکا درباره اعتماد و امن بودن بانک‌های آمریکا به هم ریخت. به عنوان مثال در خلال این دوران، بانک‌ها به یک سری از افراد وام خرید خانه اعطا می‌کردند. برای بانک‌ها محرز بود که این افراد توانایی پرداخت اقساط را ندارند. این افراد پس از مدتی از بازپرداخت اقساط

محدثه انبیايي - هفته گذشته خلاصه‌ای از لایو اینستاگرامی کوشیار عظیمیان یکی از متخصصان امور مالی، استارت‌آپ‌ها و بلاک چین را درباره چگونگی شکل‌گیری بیت‌کوین منتشر کردیم. در این شماره به مدیریت تراکنش‌ها در این ارز مجازی می‌پردازیم. در این زمینه یک مشکل بزرگ به نام دابل اسپندینگ وجود دارد. به عنوان مثال: در حالت عادی شما برای خریدن یک کالای ۱۰۰ دلاری به فروشگاه مراجعه می‌کنید و با پرداخت صد دلار خرید را انجام می‌دهید، اما در شیوه‌ای که تعدادی کامپیوتر بر تراکنش‌ها نظارت دارند، ممکن است شما ۴ فروشگاه اینترنتی را باز کنید و در حالی که تنها ۱۰۰ دلار موجودی در حساب خود دارید، به صورت کاملاً هم‌زمان نسبت به خرید چهار کالای صد دلاری از این ۴ سایت اقدام کنید. در صورت هم‌زمانی عملیات خرید، هر کدام از فروشگاه‌ها با چک کردن حساب شما و دیدن ۱۰۰ دلار موجودی امکان

در می‌مانند و بانک‌ها صاحب این خانه‌ها می‌شدند. در واقع بانک‌ها در این جریان سود بیشتری از زمان معمولی بردند. بنابراین می‌توان گفت سیستمی که شفافیت ندارد و مردم نمی‌توانند درون آن را ببینند و متمرکز است، همیشه در جایی فاسد می‌شود، مانند اتفاقی که در سال ۲۰۰۸ افتاد.

در انتهای سال ۲۰۰۸ مقاله‌ای به صورت ایمیل دست به دست شد. نویسنده این مقاله ساتوشی ناکاموتو بود. اگر آن زمان، اسم او را در گوگل سرچ می‌کردید هیچ مطلبی در باره او وجود نداشت. ساتوشی همچنان گمنام است. این مقاله درباره سیستمی بود که مرکز نداشت و به صورت نقطه به نقطه بود، به این معنی که در این سیستم تمرکز قدرت شکل نمی‌گیرد و قدرت پخش می‌شود.

بسیاری معتقدند این موضوع یک جهش در تکنولوژی دنیا بود. گروهی کوچک روی این موضوع کار کردند و اولین ورژن بیت‌کوین منتشر شد. این گروه حدود یک سال تلاش کردند تا بیت‌کوین را به دنیا معرفی کنند. اولین کسی که با بیت‌کوین معامله کرد یک پیتزا فروشی بود، که یک پیتزا را با قیمت ۱۰ هزار بیت‌کوین معامله کرد. (با قیمت فعلی بیت‌کوین الان آن پیتزا ۹۰ میلیون دلار ارزش دارد). همان‌طور که پیشتر گفتیم یکی از مشکلات اساسی، تمرکز زدایی دابل اسپندینگ بود. ایده ساتوشی این بود که تمام دنیا بر سر این که کدام تراکنش زودتر انجام شده است توافق کنند. ساتوشی مشکل نامشخص بودن اولویت زمانی تراکنش‌ها را با بلاک چین حل کرد. بلاک چین، زنجیره‌ای از بلاک‌هاست. هر بلاکی مشخص می‌کند چه فرایندهایی در این بلاک انجام شده،

نهایی شده و بعد به بلاک بعدی می‌رود، اما ساتوشی برای این که چطور دنیا بر سر این موضوع توافق کند که در یک بلاک چه تراکنش‌هایی است و بلاک بعدی چه هست؛ موجوداتی به اسم ماینر (معدنچی) را معرفی کرد. بر این اساس هر کامپیوتر و لپ‌تاپی یک ماینر در دنیا است. اما ماینر چه می‌کند؟ هر لحظه این سیستم یک مسئله سخت ریاضی مطرح می‌کند و سیستم طوری طراحی شده که تا لحظه شروع کسی نمی‌تواند مسئله را ببیند. هیچ راه‌حل ساده‌ای برایش وجود ندارد، مگر این که همه کامپیوترها را به کار بگیرند تا دنبال عدد خاصی بگردند. در این لحظه جنگ کامپیوترها برای حل مسئله آغاز می‌شود. کامپیوتری که موفق شود این مسئله را حل کند، از آن لحظه ۱۰ دقیقه بانکر دنیای می‌شود و تصمیم می‌گیرد که چه حساب‌هایی را بپذیرد یا نه و باز با طرح مسئله بعدی، بانکر عوض می‌شود. شاید حدود ۱ بیلیون سیستم در دنیا در این فرایند شرکت می‌کنند، اما چرا کسی باید کامپیوتر خود را در این سیستم بگذارد؟

اگر شما بانکر شوید یک بیت‌کوین پاداش می‌گیرید. این مسئله باعث می‌شود قدرت در دست کسی متمرکز نباشد و باعث پخش شدن قدرت می‌شود. پول جدید در سیستم پخش می‌شود و مشکل دابل اسپندینگ با این شیوه حل می‌شود. زیرا اگر فردی مثلاً سه تراکنش داشته باشد یکی قبول می‌شود و دو تای دیگر در بلاک بعدی می‌رود و مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. اما این روش هم دارای معایبی است که در شماره بعدی درباره آن توضیح می‌دهیم.

این مطلب ادامه دارد...

تغییر ریل مجدد
بورس بازی؟

در حالی که در بهار امسال بازدهی سهم‌های صادراتی بیشتر بوده، اما نشانه‌هایی از اقبال به داخلی فروش‌ها مشاهده می‌شود

جواد غیاثی
تحلیل‌گر بورس

در سال ۹۸ ورق برگشت و این بار شرکت‌های کوچک‌پشتاز رشد بودند. طی روند صعودی جدید که از انتهای سال ۹۷ آغاز شد، شاخص کل بورس حدود ۱۸۷ درصد رشد کرد اما شاخص کل هم‌وزن حدود ۵/۵ برابر شد و معادل ۴۳۷ درصد بازدهی داد

بازار سرمایه کُشور با لمس سطح یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار واحدی در اواسط هفته قبل، نه تنها در سطوح ۷ رقمی تثبیت شده است بلکه حالا برخی اهداف بزرگ تر گفته شده برای شاخص مثل ۱/۵ میلیون واحد هم دست‌یافتنی به نظر می‌رسد. البته ممکن است یک دست‌انداز در این مسیر ایجاد شود و آن توقف رشد نمادهای بزرگ شاخص ساز است. نمادهایی که در صورت عقب‌گرد یا توقف صعود به دلیل تأثیر زیادی که بر شاخص کل دارند مانع از رشد قابل توجه شاخص می‌شوند. این فرضیه با توجه به توقف رشد نمادهای بزرگ صادراتی از اواسط هفته گذشته قوت نیز گرفته است. بر عکس برخی نمادهای گروه‌های داخلی -فروش که عمدتاً شرکت‌های کوچک‌تر هستند رشد قابل توجهی را ثبت کرده است. این موضوع فرضیه تغییر ریل بورس بازی را مطرح کرده است. تغییری که طی دو سال اخیر هم تجربه شده بود.

بازی کوچک‌ها و بزرگ‌ها در ۲۷ ماه اخیر

حدود ۲ سال از شروع موج صعودی شدید بورس می‌گذرد. جهش بورس با رشد نماد شرکت‌های بزرگ صادراتی از اواخر بهار ۹۷ شروع شد و تا مهر ۹۷ ادامه یافت. بعد از آن اما شرکت‌های کوچک به میدان آمدند تا عقب ماندگی را جبران کنند. بنابراین در سال ۹۷ در مجموع بازدهی شاخص کل و شاخص کل هم‌وزن تقریباً برابر بود.

سبقت عجیب کوچک‌ها در سال ۹۸

اما در سال ۹۸ ورق برگشت و این بار شرکت‌های کوچک پیش‌تاز رشد بودند. طی روند صعودی جدید که از انتهای سال ۹۷ آغاز شد، شاخص کل بورس حدود ۱۸۷ درصد رشد کرد اما شاخص کل هم‌وزن حدود ۵/۵ برابر شد و معادل ۴۳۷ درصد بازدهی داد. در برخی مقاطع در سال ۹۸ رخوت و بی‌تحرکی نمادهای بزرگ سهامداران را کلافه کرد. سهامدارانی که رشد شرکت‌های کوچک را می‌دیدند و تحمل همراهی با صادراتی‌ها را از دست می‌دادند. جنگ تجاری و نگرانی از رکود بزرگ اقتصاد جهانی، قیمت‌های جهانی را تحت فشار قرار می‌داد و مانع از رشد قابل توجه شرکت‌های بزرگ می‌شد اما شرکت‌های کوچک داخلی فروش بدون هیاهو و بر پشتوانه رشد تورم داخلی و همچنین افزایش سرمایه رشد قابل توجهی را ثبت کردند.

مقایسه بازده شاخص کل هم‌وزن و شاخص کل بورس تهران در دوره‌های زمانی مختلف - درصد

شاخص کل	شاخص هم‌وزن	بازده کل دوره (۹۷ تا ۹۹)
۱۱۲۹	۲۱۰۰	بازده ۹۷
۸۵	۹۱	بازده ۹۸
۱۸۷	۴۳۷	بازده ۹۹
۱۳۱	۱۱۵	

شروع توفانی بزرگ‌تر هادر سال ۹۹

اما از اواخر سال ۹۸ یک موج صعودی در نمادهای بزرگ صادراتی آغاز شد که در سال ۹۹ با قدرت قابل توجهی ادامه یافت. رشد نرخ ارز و رشد نرخ نیمایی دلار، در کنار عقب‌ماندگی نسبی شرکت‌های بزرگ با وجود نگرانی‌ها از اقتصاد جهانی به خاطر شیوع کرونا، وضعیت صادراتی‌ها را داغ کرد. به نحوی که بازدهی شاخص کل از ابتدای سال تا ۲۵ خرداد ماه از بازدهی شاخص هم‌وزن فراتر رفت.

تغییر ریل بورس بازی؟

اما از اواسط هفته گذشته شرایط نسبتاً متفاوتی قابل رصد است. بازارهای جهانی و قیمت نفت روند صعودی خود را بعد از کاهش محدودیت‌های کرونایی متوقف کردند. این اتفاق روند صعودی شرکت‌های بزرگ صادراتی را تحت تأثیر قرار داد.

در عوض یک موج تورمی بسیار قوی در داخل احساس می‌شود. علاوه بر آن صنایع مختلف داخلی -فروش، یکی پس از دیگری در تکاپوی دریافت مجوز افزایش نرخ هستند. قیمت خودرو، مسکن، لوازم خانگی و ... به سرعت در حال رشد است و این موضوع برای شرکت‌های داخلی بد نیست! در واقع مثل سال ۹۷ موج تورمی حاصل از رشد نرخ ارز با تأخیر به انواع کالاها رسیده است. در برخی دیگر از شرکت‌های داخلی فروش حذف‌ارز مبادله‌ای و تبدیل شدن آن به نیمایی موجب تحرک بازار شده است. طی روزهای میانی هفته قبل در حالی که سهم‌های بزرگ یکی پس از دیگری صف‌های خرید خود را از دست می‌دادند، صف‌های خرید پرفشاری در گروه‌های خودرو، بانک، سیمان، دارو، لاستیک و ... ایجاد شده بود. این تحولات می‌تواند نشانه‌ای بر تغییر مجدد سهم‌های پیش‌تاز بازار سرمایه باشد. فرضیه این است که بهار شیرین شرکت‌های بزرگ صادراتی تمام شود و تابستان داغ شرکت‌های کوچک در برخی گروه‌ها آغاز شود. البته چنان که در گزارش هفته قبل گفتیم برخی تک‌سهم‌های بزرگ را که یک دلیل یا بهانه برای رشد دارند باید مجزاً بررسی کرد. همچنین باید توجه کرد که این فرضیه منوط به تداوم رشد کلیت بازار است. به هر حال بازار سرمایه کشور وضعیت پرنوسان ملتهبی را پشت سر می‌گذارد و همچنان وضعیت پریسک است، اما چنان چه ریسک حضور در بازار را پذیرفته‌اید، شاید بهتر باشد که وزن سهم‌های کوچک‌تر داخلی فروش را در سبد خود به مرور افزایش دهید.